

آينه

کیمیان

اولا غلط کردید...

ولی ... اشاره به مقاله تحلیلی و مستند توماس فریدمن، نویسنده ارشد نیویورک‌تایمز - آبان ۱۳۹۱- در مصاحبه با روزنامه ملیت ترکیه درخور توجه است. او می‌گوید؛ آمریکا به اندازه یک بندانگشت هم توان دخالت نظامی در منطقه خاورمیانه و هیچ نقطه دیگر دنیا را ندارد... در عراق ضمن نارنجک را کشیدیم ولی خودمان را روی آن انداختیم... دولتمردان آمریکا به جای «بیت لحم» در خاورمیانه باید به فکر نجات «بیت پنسیلوانیا» باشند... مردم آمریکا بیشتر از هر دوره دیگری می‌پرسند که نیروهای ما در فلان منطقه جهان چه می‌کنند؟ آمریکا با ۱۸ هزار میلیارد دلار بدهی غیرقابل‌جبران روبرو است و اواما که وعده تأمین رفاه اجتماعی داده بود، در پی اجرای طرح ریاضت اقتصادی است. جنبش تسخیر وال‌استریت در اعتراض به حاکمیت یک درصدی کلان سرمایه‌داران آمریکایی بر ۹۹درصد مردم این کشور، امروزه به اعتقاد تحلیل‌گران آمریکایی، آتش زیر خاکستر است که هر لحظه احتمال زبانه‌کشیدن آن وجود دارد و... حالا به این فراز از بیانات اخیر رهبرمعلم‌انقلاب بازمی‌گردیم. حضرت آقا با اشاره به اظهارات چندروز گذشته دو نفر از مقامات آمریکایی که گفته بودند، اگر چنان شرایطی پیش آید علیه ایران دست به حمله نظامی خواهیم زد! فرمودند: اولاً غلط می‌کنید! ... و با توجه به جغرافیای سیاسی و نظامی منطقه که فقط به چند نمونه از آن اشاره شد می‌توان حدس زد که ثائیا و ثائنا و رابعا و... این برخورد مقتدرانه نیز، تکرار همان غلط می‌کنید است، نیست !؟

وقت امروز

غیرت هسته‌ای در بهارستان

از یک‌سو موضوع طرح دوفوریتی نظارت مجلس ایران بر توافق احتمالی هسته‌ای مطرح شده است. همچنین برخی شنیده‌ها حاکی از آن است که تعدادی دیگر از نمایندگان مجلس به‌دنبال طرحی هسته‌ک براساس آن هرگونه توافق هسته‌ای میان ایران و ۵+۱ منوط به تصویب آن در مجلس خواهد شد. به نظر می‌رسد این طرح نیز تا حدود زیادی مشابه طرح مصوب سنای آمریکا خواهد بود اما خبر سومی که روز گذشته برخی نمایندگان مجلس اعلام کردند، از یک یک طرف ویژه سه‌فورتی حاکت دارد که خواستار ترقوت مذاکرات هسته‌ای، تا توقف ادبیات تهدیدآمیز آمریکایی‌ها علیه ایران است. سیدحسین نقوی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، طراح طرح دوفوریتی نظارت بر توافق هسته‌ای است. او گفته است طرح دوفوریتی نظارت مجلس بر توافق احتمالی هسته‌ای، تاکنون به امضای ۶۰ نماینده رسیده است. به گفته نقوی، با تکمیل امضاها به ۱۵۰ امضای نمایندگان مجلس، این طرح تقدیم هیات‌رئیسه مجلس می‌شود. سخنگوی کمیسیون امنیت ملی به تسنیم گفت: این طرح دارای یک ماده‌واحد و دو تبصره است که پس از تکمیل‌شدن امضاها، این طرح را تقدیم هیات‌رئیسه مجلس خواهیم کرد. وی با اشاره به جزئیات این طرح اظهار کرد: براساس این طرح، اولاً توافق باید در مجلس تصویب شود و ثائیا هیاتی از مجلس شورای اسلامی بر روند اجرای توافق احتمالی نظارت داشته باشد و گزارش آن را هر سه‌ماه‌یک‌بار به اطلاع مردم و هیات‌رئیسه مجلس برساند.

آفتاب

مبلغ اختلاس دروزارت علوم بیش از ۳۲میلیارد است

بزرگ‌نمایی قلم کوچک‌نمایی قلم بازگشت خبرگزاری صداوسیما؛ وزیر علوم، تحقیقات و فناوری با بیان این‌که مقدار اختلاس از صندوق رفاه بیش از مبلغ اعلام‌شده است، گفت: پیگیری پرونده تا نتیجه نهایی هستیم. وی با بیان اینکه پرونده در حال پیگیری است و دستگاه قضا نیز به‌شدت در حال کار روی پرونده است، افزود: رئیس قوه‌قضائیه دستور جدی برای پیگیری پرونده داده است و گزارش‌های دستگاه قضا نیز ارسال شده است. وی گفت: مبلغ اختلاس شده بیش از ۳۲ میلیارد بوده است که بخشی را پس دادند و بخشی دیگر هنوز مانده است. دکتر فرهادی گفت: به این ماجرا اینقدر دامن نزنید عده‌ای قرارداد صوری بستند و پول پچه‌های مردم را اختلاس کرده‌اند.

اعتراض

ایرباس در آشیانه تهران

بالاخره انتظار ۳۸ ساله به سر رسید و ۹ ایرباس ۳۴۰ وارد آسمان تهران شدند. جمعه‌شب گذشته ۹ ایرباس بر فراز آسمان تهران ظاهر شده و در فرودگاه مهرآباد و امام‌خمینی(ره) به آشیانه رفتند. عباس آخوندی، وزیر راه‌وشهرسازی دولت یازدهم امروز به‌طور رسمی جزئیات این خبر را اعلام خواهد کرد. ورود این تعداد هواپیمای مسافری بری بر فراز آسمان تهران یکی از بی‌سابقه‌ترین پروازهای گروهی است که تاکنون آسمان ایران به خود دیده است. بر اساس اطلاعات خبرنگار «اعتماد» بحث ورود ۹ ایرباس از روز چهارشنبه هفته گذشته نهایی شده بوده است. بحث خرید و نوسازی ناوگان هوایی ایران چندسالی است که از یک برنامه به یک آرزو در میان مسئولان وزارت راه تبدیل شده بود.

انتشار یک نامه از مجمع روحانیون مبارز با امضای دبیرکل آن مجمع، خطاب به رئیس‌جمهوری، دوباره نام «سیدمحمد موسوی‌خوئینی‌ها» را روی خط خبرها آورد. اتفاقی که خودش تمایلی به آن ندارد، اما بهانه خوبی به ما می‌دهد برای نوشتن از پدرمعنوی چپ‌های جوان. همان کسی سکوتش بیش از اندازه طولانی شده است.

معتقدند داستان زندگی سیاسی او با ۱۳ آبان ۵۸ قهر خورده است. از همان‌جا لقب پدر معنوی جوانان انقلابی را به او دادند. تسخیر با هماهنگی و اطلاع او انجام شد. کسی نمی‌داند امروز نظر خوئینی‌ها نسبت به تسخیر چیست؟ در سال ۷۴ موضعش همچنان دفاع بود و گفت دانشجویان به وجدان و خواست عمومی جامعه توجه داشتند. به «سلام» گفت: «دانشجویان با من مشورت کردند که مسئله اول به اطلاع امام برسد، اما من مخالفت کردم و قرار شد به‌محض آغاز ماجرا موضوع به اطلاع حضرت امام برسد و براساس عکس‌العمل ایشان حرکت بعدی انجام شود. امام بعد از شنیدن خبر از طریق حاج احمد گفت خوب جایی را گرفته‌اید، محکم نکه دارید». چهار سال بیشتر طول نکشید که گفت: «قشر دانشجو به مقتضای سن دانشجویی خودش اگر نتوانست همه واقعیت را ببیند و یک مقدار ایده‌آل‌بینی با مسائل برخورد کرد، باید برخورد منطقی تقویت و حکیمانه داشت». این را ۳۰ سال بعد ابراهیم اصفغرزاده، یکی از همان جوانان انقلابی، در دانشگاه امیرکبیر هم تکرار کرد، وقتی از ویژگی خودانتقادی و نقد آرمان‌گرایی‌یش دانشجوی دهه ۶۰ گفت.

مخالف خط آمریکا نسخه اقتصادی برای بدجوابی می‌پیچد

وی از جمله مخالفان بنی‌صدر در دادن رأی عدم کفایت سیاسی به او بود، چراکه او را در خط آمریکا، بدون تقوای سیاسی، مخالف نهاده‌های انقلابی و مستبد و برافرادن او را شکست خط سیاسی آمریکا در ایران می‌دانست: «اینکه می‌گفت می‌سای باید با رئیس‌جمهور هماهنگ باشد، به‌معنای شکل‌گرفتن قسمتی از پیکره استبداد بود». در صحن مجلس بخشی از اسناد به‌دست‌آمده درباره بنی‌صدر از تسخیر سفارت را خواند، ولی گفت به‌هیچ‌عنوان معتقد نبود که او جاسوس بوده است: «هدف از افشای این سند به معنای این نیست که بگویم بنی صدر جاسوس است، هیچ‌کس حق این را ندارد که بگوید ایشان جاسوس است، همه کسانی که در خط آمریکا عمل می‌کنند، لزوما جاسوس نیستند». یک‌سال بعد هم به کیهان درباره خطر شوری گفت: خطر شوری زمانی جدی است‌که خطر آمریکا را جدی نگیریم. سال ۶۳ دانشجویان مسلمان، سمنباری سراسری داشتند که خوئینی‌ها سخنان آن بود. دانشجویان از رکود فعالیت‌های سیاسی گلایه داشتند و تحلیل خوئینی‌ها این بود که دانشجویان مسلمان در هاله‌ای از خوف فرو رفته بودند که مبادا دخالت در مسائل سیاسی منجر به انحرافات شود که دشنگان به آن دچار شدند.سال ۶۴ دادستان کل کشور می‌شود و چپ‌های جوان همچنان چشم به پدر معنوی دارند. نامه‌ای به امام می‌نویسند و از این انتصاب ق‌دردانی می‌کنند. بلافاصله به حمایت از او برمی‌خیزند. وی به‌دنبال اجرای سیستم بانکداری اسلامی بود. معتقد بود سیستم موجود تنها اثرش پولدارشدن صاحبان پول بوده است و از اینکه کارمندان دولت در مقایسه با دیگران بیشتر مالیات می‌پردازند، شکایت داشت. می‌گفت: «مسئولان شبکه بانکی فکر نکنند جمهوری اسلامی در پی آن است که حتما برای آن عده که پولی مازاد براحتیاج خود دارند، سود دست‌وپا کند. نه اساسا ما جهت‌گیری‌مان در حذف این‌گونه پولدارهاست». در سال‌هایی ا دهه ۶۰ به‌دنبال برخی اعتراضات نیروهای حزب‌الله به ماجرای برخورد با منکرات و بدجوابی، این موضوع دغدغه خیلی از مسئولان شده بود و هرکس نسخه‌ای برایش می‌پیچید، چپ‌های مسلمان نسخه اقتصادی را تجویز می‌کردند. خوئینی‌ها گفت: «ریشه منکرات، فساد و بی‌حجابی در مالکیت‌های نامشروع است که بعضی افراد ساده‌لوح آنها را مجدداً باز می‌گردانند.

تردیدهای دهه ۶۰

آرمان‌گرای چپ مسلمان اگرچه سال‌ها بعد دیدگاه‌های جدیدی پیدا کرد و در یکی از آخرین حضورهای رسانه‌ای خود به هفته‌نامه شهروند، در آبان ۸۶ گفته بود: «الان حتما مثل گذشته به مسائل سیاسی، اقتصادی نمی‌نگرم اما ۱۸۰ درجه هم تغییر نکرده‌ام. بنده جمود ندارم و سنگ نیستم. همان‌طور که من چیزهایی به جامعه داده‌ام، از جامعه هم بعضی مسائل را دریافت کرده‌ام». اما در همان سال‌های چپ‌روی هم می‌توان ره‌گه‌ایی از تردید نسبت به اجزایی از این آینده آرمانی را در او دید. عضو وقت جامعه روحانیت مبارز از همان دهه ۶۰ ذهنش درگیر آینده کار تشکیلاتی است. به آن اعتقاد دارد، نمی‌داند درصورتی‌که تشکیلات بعدی شود یا بعمار، باید چگونه درامش کرد: «تجربه نداریم که یک تشکیلات سیاسی به وجود آمده باشد و همچنان دنبال اهداف اولیه

سیاست



موسوی خوئینی‌ها از دیروز تا امروز

پرسش از سکوت

مهسا جزینی

آن تشکیلات باشد و کم‌کم خود تشکیلات‌محور و هدف می‌شود و همه ارگان‌ها به دنبال آن محور تشکیلات می‌چرخند. این یک بلای خامناسوز برای هر تشکیلات سیاسی است که به وجود آمده است». سال ۶۱ به «کیهان» می‌گوید: «... معتقدم که آدم باید در جریان یک تشکیلات سیاسی قرار بگیرد... اما به نظرم راه‌حلی نرسید که اگر تشکیلات بیمار بشود و نشود با آن کار کرد، چگونه این تشکیلات را باید علاج کرد... خود من همیشه گرفتارچنین تناقضی بودم و نتوانستم حل کنم». البته یک راه علاج به نظرش می‌رسد و آن اینکه «با نصیحت و پایبندی به ضوابط اسلامی بشود تشکیلات را نسبت به آغاز وفادار نکه داشت». می‌گوید الگوی که به ذهن من رسید برداشت از آیه‌ای از سوره توبه است، «نوعی تشکیلات ایدئولوژیک سیاسی». اما چند سال بعد راه‌حل جدیدی به ذهن او و یارانش می‌رسد. وقتی شکاف به اوج می‌رسد، علاج را نه در نصیحت بلکه در انشعاب و ایجاد یک تشکیلات جدید می‌بینند که به مرور از وزن ایدئولوژیک آن هم کم می‌شود.

با این حال تردیدهای آن سال‌های موسوی خوئینی‌ها درباره تشکیلات یکی، دوتا نیست. «امام وقتی از نجف پیام دادند که به کارهایتان تشکیلات بدهید به نظر دوستان در ایران رسید که منظور امام احتمالا راه‌اندختن یک تشکیلات سیاسی است، با مرحوم بهشتی صحبت شد و قرار شد موضوع پیگیری شود اما بعداً فردی نزد امام رفت و پرسید [امام] گفت نه منظور من این نبوده، منظور من این بوده که از علما و روحانیون و شخصیت‌های سراسر کشور بخواهید که با هم مربوط باشند، با هم عمل مشترک انجام دهند، من به ذهنم رسید که نظر امام این است که این تشکیلات سیاسی باید از طرف روحانیت آگاه شکل بگیرد، حال این سؤال می‌تواند شکل بگیرد که آیا ایده فوق می‌تواند الیوم‌باشت پول بوده است و از اینکه سیاسی منطبق با روح انقلاب ما باشد یا نه؟»

دغدغه‌های فکری ایشان پایانی ندارد. سال ۶۲ با کیهان و اطلاعات دو گفت‌وگو جداگانه دارد که ترکیب آن دو گفت‌وگو احتمالاً آن چیزی است که ایده دموکراسی اسلامی مورد نظر او در سال‌های اول دهه ۷۰ را رقم می‌زند. به کیهان درباره فلسفه سیاست در اسلام و رابطه آن با مجتهد و اجتهاد می‌گوید که طرح مسئله جدایی دین از سیاست به معنی نفی دین و نفی سیاست است، یعنی نفی هردو. به اطلاعات اما می‌گوید: «مهم این است که مدیران و مسئولان جامعه از حرفی که مردم می‌زنند الهام بگیرند. ببینند مردم چه می‌خواهند و چه چیزی را نمی‌پسندند، البته مردمی را می‌گویم که پسند و ناپسندی خودشان را با معیارهای اسلامی محک می‌زنند. نه‌اینکه شرع را ابزاری کنند که اگر کسی خواست بگوید این کار به نفع مردم نیست که سر او بکوبند که شرع برای من ملاک است، می‌خواهد به نفع مردم باشد یا نباشد. قبول است که شرع ملاک است اما یقین داریم که شرع به نفع مردم است، نفع و مصلحت مردم یک چیز غیرقابل درک نیست». دادستان کل کشور معتقد بود قضاتوی اسلامی است که مردم را از آنچه نظام شاهنشاهی در طول قرن‌ها بر ایشان تحمیل کرده، نجات دهد. اگر چه سکوت‌کم در حوزه فرهنگ هم به نگاه جدیدی می‌رسد، فارغ از اینکه ریشه را در اقتصاد می‌بیند اما معتقد به مقابله دولتی نیست، «برخورد با مسئله بدجوابی را باید برعهده مردم گذاشت».

خوئینی‌ها و انشعاب

همین تردیدهای خوئینی‌ها و یاران با اختلافات جدی درون جامعه روحانیت مبارز می‌انجامد و زمینه‌ساز بروز انشعابی گسترده و تاریخی می‌شود. ارائه فهرستی واحد از سوی جامعه روحانیت مبارز

جوان خود آشنا نیستیم. برخلاف همتایان جناح راست خود تغییر را می‌دید. شاید این را مدیون تجربه همراهی‌با چپ‌های جوان ده ۶۰ بود: «ما یک حرف می‌زنیم که گویا نسل جوان اصلاً نمی‌فهمد. معتقدیم حق از آن مردم است. اداره‌کردن مملکت حق مردم است». در سالگرد فوت امام(ره) هم گفت: «حکومتی از نظر اسلام قابل‌قبول است که بر رأی و نظر مردم متکی باشد».

برای روزنامه سلام هم رسالتی در همین راستا قائل بود و بعد از انتشار صدمین شماره گفت که فکر می‌کند به مقدار قابل‌توجهی به وظیفه‌ای که بر دوشش بوده عمل کرده است: «روزنامه این امکان را ایجاد کرده که اگر کسی در جامعه حرف مخالفی با نظرات مسئولان اجرایی، حتی بالاترین مقام داشت حرفش را بزند و سلام آن را منعکس کند». سال ۷۱ اختلاف بین دو جناح آن قدر واضح بود که وقتی پیشنهاد تأکید روی نقاط مشترک مطرح شد، گفت: «برای برگزاری یک نشست دوست‌داشتنی توفیق نیافته‌ام تا چه رسد به تقویت نقاط مشترک».

سلام در آن فضا تحمل نمی‌شد. «ناطق نوری» چهره شاخص جناح راست پیش‌بینی کرده بود که اگر سلام با همین تند ی پیش برود، مسئولان جلو آن را خواهند گرفت: «این برخورد زمانی صورت خواهد گرفت که احساس شود این روزنامه به نظام ضربه می‌زند». بالاخره نخستین دادگاه روزنامه سال ۷۲ برگزار شد. اتهام، نشر اکاذیب وتشویش اذهان و افترا بود. «عباس عدی»، عضو شورای سردبیری روزنامه هم بازداشت می‌شود، اما «احمد پورنجاتی»، معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد می‌گوید که بازداشت ربطی به شکایت از روزنامه ندارد.

پایان «سلام» آغاز سکوت

دولت عوض شد. چپ‌های مسلمان به پاس‌تور آمدند، اما خوئینی‌ها نیامد. بااین‌حال همچنان مدافع بود. از تشکیلات شوراهای شهر دفاع کرد و حتی پیشنهاد داد رسانه‌ها برای پوشش اخبار انتخابات شوراهای خبرنگار ویژه به وزارت کشور بفرستند و مردم را در جریان قرار دهند. بحث انتخابات مجلس که شد خیلی‌ها گفتند او بالاخره می‌آید. سلام بعد از دوم خرداد هم همچنان منتقد بود، اما این‌بار نه منتقد دولت، بلکه منتقد برخی سیاست‌ها. به اصلاح قانون مطبوعات در مجلس پنجم اعتراض کرد و تصویر نامه سعید امامی را منتشر کرد. پایان کار سلام فرا رسید. توقیف شد. دادگاه بعداً حکم به تعطیلی پنج‌ساله سلام داد و هیات‌منصفه خوئینی‌ها را مجرم شناخت. او به سه‌سال‌وونیم حبس و پنج سال محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شد. سکوت سیاسی اما از همان وقت آغاز شد. عبدالله نوری همان سال حاکم‌خانه شد. تیت‌ر روزنامه آفتاب امروز این بود: «آیا نوری سکوت خوئینی‌ها را خواهد شکست؟» «محسن آرمین» همان سال گفت که خوئینی‌ها رقیب هاشمی در انتخابات مجلس ششم خواهد بود؛ پیش‌بینی‌ای که رخ نداد و خوئینی‌ها نیامد.

سال ۸۴، دوباره اصلاح‌طلبان برای انتخابات ریاست‌جمهوری سراغ او می‌روند. سازمان مجاهدین، به‌ویژه، تلاش زیادی می‌کند، اما بی‌نتیجه است. سال ۸۶، روزنامه ابرار نوشت شنیده شده از «حسن حبیبی» و «میرحسین موسوی» و «خوئینی‌ها» دعوت شده است، به‌همراه «خاتمی» در فهرست اصلاح‌طلبان مجلس برای انتخابات آتی حاضر شوند؛ افراد یادشده مخالفت کردند و صرفاً یکی از آنها قول بررسی داده است. این شایعه یک‌بار دیگر هم سال ۷۹، شنیده شد. بعد از طرح بحث عبور از «خاتمی»، شایعه جایگزینی «خوئینی‌ها» به‌جای «خاتمی»، مطرح شد، اگرچه کوتاه‌مدت بود و خاموش شد. سال ۸۷ هم، «حمدهلی‌نقی» بحث پارلمان اصلاحات را مطرح کرد و پیشنهاد داد یک شورای‌عالی سیاست‌گذاری، متشکل از خاتمی، نوری و موسوی‌خوئینی‌ها تشکیل شود.

یک سکوت ودوتفسیر

سکوت او برای اصلاح‌طلبان محل پرسش، اما برای اصولگرایان محل اعتراض است. سال ۸۶، در پاسخ به این سؤال که میزان سکوتش سیری صعودی پیدا کرده است، گفته بود از اول هم زیاد اهل مصاحبه نبوده و در تمام سال‌های انتشار «سلام» فقط یک‌بار، آن هم در مورد ۱۳آبان یا ۲۲ بهمن با روزنامه خودش گفت‌وگو کرده است. شواهد، اما می‌گوید اتفاقا در دهه ۶۰ و اوایل ۷۰، «خوئینی‌ها» بسیار هم سخن گفته است. با «سلام» هم بیش از یک‌بار گفت‌وگو کرده است. سکوت او دقیقاً با توقیف روزنامه‌اش آغاز می‌شود. این سکوت، اما هربار بهانه‌ای است برای حمله اصولگرایان به او. سال ۸۱، کاظم انبالوویی در ماجرای آقاچری در سال ۸۴، می‌گوید اتفاقا در دهه «در سالت» خطاب به او نوشت: «وقتی دین و آموزه‌های دینی بی‌رحمانه هتک حرمت می‌شوند، سکوت یک عالم دینی باسابقه و یار امام(ره) چه معنی می‌دهد؟» او سکوت خوئینی‌ها را به ماجرای روزنامه «سلام» نسبت می‌دهد و می‌نویسد: «پنج سال سکوت به‌خاطر اینکه «سلام» در یک پورسه حقوقی قضائی تعطیل شده است، دلیل موجهی نیست».

ادامه در صفحه ۷

۹سال پیش درچنین روزی

ایران

● احمدی‌نژاد در پی تمرکز محافل جهانی بر نامه ارسالی به بوش: نامه من حرف‌های ملت ایران است- احمدی‌نژاد در نامه ۱۸صفحه‌ای خود به تشریح رفتارهای سوء آمریکا در بحث سیاست خارجی پرداخته و تحقیقات علمی را بخشی از حقوق اساسی ملت ایران خوانده است- واشنگتن‌پست: در این نامه، راهکارهای جدیدی برای خروج از مشکلات بین‌المللی و موقعیت شکننده کنونی جهان ارائه شده است- ارزش‌های مشترک مذهبی در جهان باید برای اداره امور سیاسی به‌کار گرفته شود- احمدی‌نژاد به قیاس تهاجم تحت امر آمریکا به عراق و تهدیدهای کنونی آمریکا علیه ایران پرداخته و تأکید می‌کند واشنگتن درباره توجیه جنگ عراق دروغ گفت و اکنون پیامدهای آن را تحمل می‌کند- احمدی‌نژاد از بوش پرسیده است چرا بسیاری از جنبه‌های حملات ۱۱ سپتامبر، همچنان مخفی نگه داشته شده است؟

شرق

● متن کامل نامه احمدی‌نژاد به بوش - «بازرسان اروپایی وجود زندان‌های مخفی را در اروپا تأیید کرده‌اند... . برای آن موضوع، من نمی‌توانم درک کنم که چگونه چنین اقداماتی مطابق با ارزش‌های مطرح‌شده در ابتدای این‌نامه، برای مثال، آموزه‌های عیسی مسیح (ع)، حقوق بشر و ارزش‌های لیبرال، است»

● واکنش آمریکا به نامه احمدی‌نژاد- کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه آمریکا: «این نامه به حل بن‌بست هسته‌ای ایران کمک نمی‌کند».

«در این نامه نکته تازه‌ای وجود ندارد و در موضع ما نسبت‌به قبل از دریافت نامه، تغییری حاصل نشده است». «نامه احمدی‌نژاد گمانیده دیپلماتیک نیست و در آن به مباحث تاریخی، فلسفی و مذهبی اشاره شده است».

● توکلی: احمدی‌نژاد با رؤسای‌جمهوری پس از انقلاب مشورت هسته‌ای کند.

اعتماد

● واکنش نمایندگان به نامه احمدی‌نژاد- گلایه و سکوت

● سرلوحه- نامه برخاشیه- مصاحبه خاتمی با سنی‌ان‌ان در مقطعی که اعتبار جهانی جمهوری اسلامی بازسازی شده بود و در موقعیتی بسیار بدتر و متفاوت از آنچه اکنون در آن قرار داریم،

در سوی هم‌فکران آقای احمدی‌نژاد با نگو‌ش و مخالفت مواجه شد؛ فرصتی که در آن زمان می‌توانست گرگشا باشد یا چنان همه‌ای روبرو شد که حتی خاتمی را از حضور در عکس دسته‌جمعی سران کشورها در سازمان ملل برحذر داشت. مبادا که غائله سیاسی در کشور برپا شود، اما اکنون که ایران در معادلات دیپلماتیک در موقعیتی به‌مراتب ضعیف‌تر قرار دارد، به رئیس‌جمهوری ایالات متحده نامه می‌نویسیم و او را دعوت به همکاری برای حل مشکلات جهانی می‌کنیم! ... آیا واکنش سرد مقام‌های کاخ سفید به نامه‌ای که آن را «فلسفی-مذهبی» و البته بی‌پاسخ اعلام کرده‌اند، خطای محاسباتی و تحلیلی جناب احمدی‌نژاد و مشاورانش نبود؟ در تازه‌ترین گزارش اکونومیست از دورنمای اقتصادی ۶۰کشور- ایران آخر شد

اطلاعات

● برداشت از حساب ذخیره ارزی ۲۵درصد افزایش یافت

● رئیس پژوهشکده پولی و ارزی بانک مرکزی: رشد نقدینگی به بالاترین میزان خود در ۱۰اسال اخیر رسید

● در جلسه علنی امروز اعلام شد- حمایت مجلس از نامه رئیس‌جمهوری ایران به جورج بوش- (احداعادلان]: «ما از این اقدام منطقی و شجاعانه رئیس‌جمهوری تشکر می‌کنیم و امیدواریم این نامه سبب شود این نوع گفت‌وگوها در جهان رواج یابد و قدرت‌های جهانی، خود را در مقابل افکارعمومی دنیا مسئول احساس کنند».

● به‌دنبال پافشاری روسیه و چین بر مواضع مخالف خود -کشورهای غربی درصدد تعدیل پیش‌نویس قطع‌نامه علیه برنامه هسته‌ای ایران برآمدند -بوش: دیپلماسی، مهم‌ترین گزینه در برابر ایران است

کیمیان

● پاسخ بلر به حزب کارگر: کنار نمی‌روم

● مردم کاستاریکا پرچم آمریکا را آتش زدند

● متن نامه دکتر احمدی‌نژاد منتشر شد - آقای

بوش! چرا نفر از آمریکا جهانی شده است؟

● گاردین: پاسخ منفی بوش به نامه احمدی‌نژاد نشانه ضعف آمریکا خواهد بود

● علی‌آبادی: محرومیت و تبعیض از ورزش حذف می‌شود

● شلیک ۳۰۰ گلوله توپ به مناطق مسکونی نوار غزه

● مجله روسی: واشنگتن بهتر است این‌همه دروغ نگوید

شرق